

بِهانه بودن ۱۱۱

باش تابانه ای برای بودنم باشد

من مع خواهم
«تو» بشوم
راست مع گویم

باید خویش را پیدا کرد
تا بتوان همسری انتخاب نمود
و تا تو را پیدا نکنیم
همیشه گفتم در برهوتِ ندانم ها و چه کنم ها.

تقدیم به تو
ای حاضرترین غایب آسمان و زمین!



فهرست

- ۸ | مقدمه
- ۱۱ | من می‌خواهم «تو» بشوم، راست می‌گویم.
- ۲۱ | من «خود» تو را انتخاب کرده‌ام، «خود» تو، «خود» تو...
- ۳۱ | از همان روز اول، مرا تسلیم تو آفریدند.
- ۴۱ | تو بیا مرا همان کن که باید باشم
- ۵۳ | کجایی؟ مگر نمی‌دانی دلم برای تنگ می‌شود؟
- ۶۳ | توبه کرده‌ام از همه نمازهایی که خوانده‌ام
- ۷۷ | آفرینشم را با وصل خویش از بیهودگی نجات بده آقا!
- ۸۷ | پول شده دین بعضی‌ها، دیندارتری یعنی پولدارتر!
- ۹۷ | ضمانت راه ازدواج و زندگی، عاشقی است
- ۱۰۷ | داریم چوب دور بودن از تو را می‌خوریم

بِهانه بود ۱۲۱

باش تا بهانه ای برای بودنم باشد

مهر هر کس
به دل بيفتد
دل مالِ او ست



فهرست

- ۹ | مقدمه
- ۱۱ | تو را ز آفت گرفتن دل ها با همی
- ۲۱ | کوچک ها نباید ازدواج کنند
- ۳۱ | افسوس و اسفِ تو را خریدیم به قیمت لبخند مردم
- ۴۱ | اگر تسلیم محض تو نشویم هر روز مان می شود خسران
- ۵۵ | مهر هر کسی به دل بیفتد، دل مالِ اوست.
- ۶۷ | تو اهل آلوده کردن چشم هایت نیستی
- ۷۹ | من التماسِ دعوتم را روی دلم حک کرده ام

فهرست

۹	مقدمه
۱۳	تقاضی که برای دوری از تو می دهیم
۲۳	خانه های از «من» رها شده، مأمن اند برای کودکان
۳۳	چرا این قدر من و تو فرق داریم؟ مگر تو امام من نیستی؟
۴۳	شما ما را همیشه به سوی آسمان دعوت می کنید
۵۵	آرامشی که ما به دنبالش هستیم، درد دل این اضطراب، لایه کرده
۶۵	هم خانه بودن و هم دل بودن، یک چیز نیست.
۷۷	رو گرداندن من از تو، برای رو کردن مردم به من!!
۹۱	تو خوبی. من بدم. می خواهم مثل تو خوب شوم آقا!
۱۰۱	امروز بسیاری از خانه های ما، میدان جنگ خدایان است
۱۱۱	تو توکل می کنی. من هم توکل می کنم. تو برخدا. من بر پول.
۱۲۱	آخر می کشد مرا این همه فاصله ای که میان من و توست
۱۳۱	تو که بیایی، باید همه چیز را برگردانی سر جای خودش.
۱۴۳	چقدر بیچاره اند! آنها که از کلاس تو محروم می مانند
۱۵۱	عیب ها جز در هُرم محبت تو آب نمی شوند
۱۶۱	دندان این طمع از جنس الماس است. آن را نمی گنم.

بِهانه بودن ۱۴۱

باش تا بهانه‌ای برای بودنم باشد

نا آتش خشم
خاکسرم نکرده
رودخانه عشقت
را دردلم جاری کن

فهرست

- ۹ | مقدمه
- ۱۳ | هر کسی اخلاقش نیکوتر، به تو نزدیک‌تر
- ۲۵ | تا آتش خشم، خاکسترم نکرده، رودخانه عشقت را در دلم جاری کن.
- ۳۹ | ویرانه «من» پرست‌ها محتاج نگاه خدا پرستانه توست.
- ۵۳ | خدا شیرین است؛ تو او را چشیده‌ای.
- ۶۳ | چرا راه فرار را می‌بندی به روی ما؟
- ۷۵ | سال‌ها بود که با خدا اعلام جنگ کرده بودم
- ۸۵ | می‌خواهیم دستور زبان تو را یاد بگیریم

بھانہ بودن ۱۶۱

باش تابھانہ ای برای بودنم باشد

هو ایس است
هو اے خودت را
در سرمان بینداز

فهرست

۹	مقدمه
۱۳	دست‌هایت را باز کن. این زندگی من، تحویل تو!
۲۵	چقدر تیر خلاص زده‌ایم به خودمان!
۳۷	چرا تو فقر را نداشتن خدا می‌دانی و من، نداشتن پول؟
۴۷	چقدر خوبی که ما را در حلقهٔ دوستانیت راه داده‌ای!
۵۷	می‌خواهم جور دیگری ببینم؛ مثل تو
۷۱	کمی تحمل کن، همین روزها بزرگ می‌شوم
۸۱	نرسیدن به تو، جهنم نقدِ خدا روی زمین است
۹۳	هوا پس است، هوای خودت را در سرمان بینداز
۱۰۹	تو نزدیک‌تر از آنی که در خیال من بگنجد.

فهرست

مقدمه	۹
هوای مسافر را داشته باش	۱۳
کودک، اگر خادم درگاه تو نباشد...	۲۵
کاش قاب عکسی از تو داشتیم!	۳۷
دشمنان بچه خوار، دایه های مهربان تر از مادر	۴۹
انگار معصوم ها باید مظلوم باشند	۶۱
دیدنی چقدر قصه بچه هایمان تلخ است؟	۷۱
تو اصل مطابق با عکسی	۸۳
قاعده ما، دینداری نیست؛ دین دزدی است	۹۵
مانسل پدران و مادران زورگویم	۱۰۷

بِهانه بودن ۱۸۱

باش تا بهانه‌ای برای بودنم باشد

کوید
سوخته‌ای
که برای
کودنم
ساخته‌ام

فهرست

- ۹ | مقدمه
- ۱۳ | ما را اهل محبت کن آقا!
- ۲۳ | مدرسه‌ات در کدام محله است؟ آقا!
- ۳۵ | تا نمرده‌ایم، عاشقمان کن آقا!
- ۴۵ | راهی که سنگ فرشش بال فرشته‌هاست
- ۵۵ | اسیران زمینی که امیران آسمان شدند
- ۶۷ | ما حتی اجاره‌نشین دل‌های بچه‌ها مان نیستیم
- ۷۹ | عسل‌های عشق که از واژه‌ها چکه می‌کند
- ۸۹ | قول می‌دهم انسانی شوم اهل آسمان
- ۱۰۱ | مهربان‌ترین پدر دنیا! کودکانمان تقدیم تو باد
- ۱۱۵ | قربان نگاهت آقای مهربانی!
- ۱۲۵ | کویر سوخته‌ای که برای کودکم ساختم

بھانہ بود ۱۹۱

باش تا بھانہ ای برای بودنم باشد

خوش به حال
بیچہ ہائے
مکہ اسیر
مے شتوند!

فهرست

مقدمه	۹
باید تو را تماشا کنیم تا تربیت را بفهمیم	۱۳
چه زیباست، آن آزادی و این اسارت!	۲۳
وقتی پرنده آزادی کودک را سر می‌بریم...	۳۵
ما سارقیم، سارقان کودکی؛ تو نگهبانی، نگهبان کودکی	۴۷
آقا! قسم به کودکی، خلاصم کن از کوچکی	۵۷
تو اگر بخواهی، می‌توانی خارستان را گلستان کنی	۶۹
غصب و سرقت به نام تربیت	۷۹
من ظالم خوبی هستم، می‌دانی چرا؟	۸۹
ما از بودنمان خسته‌ایم	۱۰۱
برای همه چیز، وقت داریم، جز بچه‌هایمان	۱۱۳
ما عقلمان را خرج تراشیدن بهانه می‌کنیم	۱۲۳
تو مردم ما باش، ما برده تو	۱۳۳
تو اگر بیایی، چه کار می‌کنی با آسودگی‌هایمان؟	۱۴۳
چرا در خانه‌هایمان، حرف تو ملاک نیست؟	۱۵۵
خسته‌ایم از این همه نظم شیطانی!	۱۶۵
ما را از قفس این نگاه تنگ، برهان	۱۷۹

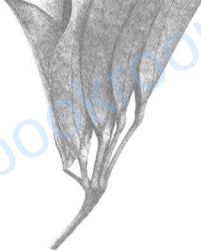
بہانہ بودن ۱۱۵۱

باش تا بہانہ ای برای بودنم باشد

«بازی»
جہ محراب
خوبی است
برائے عبادت

آقا!
ما عبادت را به بازی گرفته ایم
توبازی را عبادت گرفته ای
ما با نمازهایمان تا سقف خانه ما
بالا نمی رویم . توباکودکان که
بازی می کنی، سنگینی عبادت
بیش از همه نمازهای ما می شود.

تقدیم به تو که روی گساده ات
محراب سادی بچه ها است!



فهرست

مقدمه	۹
قهقهه بچه‌ها، هلهله فرشته‌ها	۱۳
بچه‌ها برای بنده شدن، نیاز به بازی دارند	۲۳
پنکی بکوب بر این دل‌های سنگ شده	۳۳
امان از گرسنگانی که از جوع خویش غافل‌اند!	۴۳
چند رکعت بازی، به قصد نشان دادن لبخند روی لب تو	۵۳
بچه‌ها چقدر مظلوم‌اند! ما چقدر ظالمیم!	۶۳
بچه‌ها اهل سرزمین فطرت‌اند، تو حاکم این سرزمینی	۷۳
تو که بیایی، آبرو نمی‌ماند برایمان	۸۳
«بازی» چه محراب خوبی است برای این عبادت!	۹۳
چقدر محتاج‌اند بچه‌های ما به مثل تو شدنمان!	۱۰۵
خاک، عجب کلاس درسی داشت!	۱۱۵
کاش غایت این تمدن، فقط حیوان شدن ما بود!	۱۲۵
تو سرِ سراب را می‌زنی تا هرچه هست، آب باشد	۱۳۵
نگاهم، تعریف قبله را عوض کرده بود	۱۴۵
آه از این همه کاهی که کوه پنداشته شد!	۱۵۵
کاش زندگی را مثل کودکی‌هایم بازی می‌کردم!	۱۶۵
چقدر دلم تنگ شده برای پاکی‌های دوران کودکی‌ام!	۱۷۵

بہانہ ہونے ۱۱۱۱

باش تابہانہ ای برای ہونم باشد

حق در قسنگ
استنا این
مرگ
خانواد کے!

آقا!
اگر عکس از تو داشتیم وقاب می کردیم
و می زدیم روی دیوار خانه مان
هر وقت دلمان برای خدا تنگ می شد
قاب عکس تو را به تماشای ایستادیم.
آن وقت ما هر چه درد داشتیم را
با تماشای قاب معجزه آمیز تو
درمان می کردیم.

تقدیر به تو ای صورت خدا روی زمین!



فهرست

۹	مقدمه
۱۳	اما چشم را جز برای انتظار تو نمی خواهیم
۲۳	کتاب دلت را به من قرض می دهی؟
۳۳	اما از باتلاق، خسته ایم
۴۳	دل‌مان برای بهشت تنگ است
۵۳	اما را رها کن از این زندان تنگ و نمور
۶۳	خیرات... نه! «شرات» خیال در میان بچه‌ها
۷۵	بگش ما را برای خودت تا همیشه زنده بمانیم
۸۵	اتو را رها کردیم و این قاب را چسبیدیم
۹۷	اما بهشت‌هایمان را از تو می خواهیم آقا!
۱۰۷	چه نشسته‌ای؟ امروز کودکان ما خاله‌پرست شده‌اند
۱۱۷	اکاش یک بار دستی می کشیدی روی چشم‌هایمان!
۱۲۷	شراب تردید «تو دوستم داری یا نه؟»
۱۳۷	امروز برای بلوغ جشن نه، غزا باید گرفت.
۱۴۹	اما طفل‌های گریزپاییم، اما تو را دوست داریم
۱۵۹	ما سری را که گرم تو نباشد، نمی خواهیم
۱۶۹	اما قفس فرسود قاب جادویی شده ایم
۱۷۹	اما را رها کن از دین این قاب جادویی
۱۹۱	اچقدر قشنگ است این مرگ خانوادگی!
۲۰۱	اچطور باید از تو خجالت کشید؟ یادمان می دهی؟

بِهانه بود ۱۱۲۱

باش تا بهانه ای برای بودنم باشد

که از حلوای
عشق را
بحسب
بِه کام مان

آقا! حتی خیال آمدنت، دریای طوفانی
و رود خروشان، آسمان غرّان و
زمین لرزان و هر چه دل بی قرار
است را آرام می کند.
حالا اگر بیای چه موج آرامش
به پا می کنی در عالم؟

تقدیر به تو که آرامش گمشده
گمّه انسان های!



فهرست

۹	مقدمه
۱۳	می‌خواهم تو را گدایی کنم برای خودم
۲۳	دشمنان دیروز من، هم‌رزم‌های امروز من اند.
۳۳	یک تن و یک لشکر حریف، افسانه نیست!
۴۳	خسته‌ایم از خنده‌های زورکی!
۵۳	کمی از حلوای عشقت را بچشان به کاممان
۶۳	عشق تو می‌شود سنگ محک کارها
۷۳	«زیبایی»، مظلوم دوران ماست، آقا!
۸۵	خانه تو در فطرت کودک است
۹۵	به زمان بگو کمی هم برای ما بایستد
۱۰۵	من می‌خواهم دلم را با تو آرام کنم
۱۱۵	به نام خدای همه نیازها
۱۲۷	دلم برای «انسان» خودم تنگ شده!
۱۳۷	خودت را از من بگیر، من از بدبختی می‌ترسم

بِهانه بودن ۱۱۳۱

باش تا بهانه‌ای برای بودنم باشد

من و تو
چقدر فرق
داریم با هم!

آقا!

سرمه را دارند گرم بازی می کنند
تا در سرمای بی تو بودن یخ بزنیم
و عقلمان را به بند کشیده اند
تا انجماد بی تو نفس کشیدن را
تفهمیم.

ما منتظریم که بیای و حال و هوای
زمین را با نفست همیشه بهار کنی

تقدیم به تو ای بهار و عود خدا!



فهرست

- ۹ | مقدمه
- ۱۳ | مادر و «انسان بی خدا» را راست پنداشتیم
- ۲۵ | کوچک کردن خالق، کوچک تر کردن مخلوق است؟
- ۳۵ | دیدن تو، فهمیدن همه دین خداست
- ۴۵ | من و تو چقدر فرق داریم با هم!
- ۵۷ | از شما به خدا شبیه تر کجاست؟
- ۶۷ | بزرگ ترین افتخار فرشته ها، سربازی برای توست
- ۷۷ | دارند بچه های ما را شیطان پرست می کنند
- ۸۷ | مگر کودک سوزی تماشا دارد؟
- ۹۷ | چرا بچه ها به استقبال ترس می روند؟
- ۱۰۹ | مهربان که باشی، شبیه مولا می شوی
- 

مقدمه

تربیت فرزند در هر زمان، باید یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های والدین باشد؛ اما امروزه این دغدغه باید فضای بیشتری از ذهن پدران و مادران را به خود مشغول کند؛ زیرا پیچیدگی‌های موجود در سبک زندگی و موانع بی‌شماری که در مسیر تربیت در دنیای مدرن وجود دارد، کار تربیت را بیش از گذشته سخت و سخت‌تر کرده است.

مجموعه «منِ دیگرما» با موضوع تربیت فرزند در دنیای امروز، خودش را موظف می‌داند راه تربیت فرزند را پیش روی شما والدین بگشاید و بیراهه‌های این مسیر را نشان دهد.

«منِ دیگرما» دوست دارد با نگاهی دقیق به معارف ناب قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام از تربیت، سخن بگوید و تا اندازه‌ی مساحت فهمش از این معارف فاصله نگیرد. اگرچه ادّعای تطابق کامل حرف‌های او با آنچه در عمق دین آمده، ادعایی به‌گزاف است. تا کنون «منِ دیگرما» به تنهایی منتشر می‌شد؛ اما به تازگی

مقدمه

ازدواج، تنها پیدا کردن فردی از جنس مکمل، برای زندگی زیر یک سقف نیست. ازدواج، پیدا کردن یک همراه، برای پیمودن راه زمین تا آسمان است. وقتی مسیر انتخاب، آسمانی نباشد و شیوه ازدواج، بوی زمین را بدهد، دیگر نمی شود انتظار داشت ازدواج، راه آسمان را به رویمان بگشاید.

مجموعه «نیمه دیگر» که در دو کتاب منتشر شده، بنا دارد شما را با مهارت های انتخاب همسرو موانع ازدواج جوانان آشنا کند. دغدغه این مجموعه، استحکام بخشیدن به بنای انتخاب همسرو آسان کردن مسیر ازدواج است.

تا کنون «نیمه دیگر» به تنهایی چاپ و منتشر می شد؛ اما از این پس هر کدام از مجلدات این مجموعه، ضمیمه ای دارد که حاوی نثرهای ادبی است. «بهانه بودن» نام مجموعه ای است که دو کتاب از آن، ضمیمه ادبی مجموعه «نیمه دیگر» است و هم اکنون یکی از این دو کتاب در دستان شماست.

«بهانه بودن» نثرهایی ادبی است که دوست دارند، میان ما و اماممان، اتصالی فراتر از آنچه تا کنون بوده برقرار کنند. پیام صریح «بهانه بودن» این است: نمی‌شود امام را صدا زد و او را از خدا خواست؛ اما طوری ازدواج کرد که نه خدا راضی باشد و نه امامش. فریاد کشیدن و امام را طلبیدن آسان‌ترین کار است. مأموم باید گوش به فرمان امامش باشد؛ حتی در انتخاب همسر و مسیر ازدواج.

به نظر می‌رسد مطالعه هریک از این کتاب‌ها را اگر پس از مطالعه همان جلد «نیمه دیگر» انجام دهید، مفیدتر باشد. البته این کتاب‌ها طوری نگاشته شده که برای افرادی که انگیزه کافی برای مطالعه کتاب‌های تربیتی ندارند، قابل استفاده باشد. اگر می‌خواهید کسانی را که انگیزه کافی برای مطالعه مجموعه «نیمه دیگر» ندارند، تشویق کنید، دعوت به مطالعه این کتاب‌ها می‌تواند اثرگذار باشد.

«بهانه بودن» یک مجموعه چند ده جلدی است که دو کتاب آن به مجموعه «نیمه دیگر» اختصاص یافته است. باقی کتاب‌های این مجموعه هم به یاری خدا به تدریج منتشر خواهد شد که مطالعه آنها را هم به شما توصیه می‌کنیم. امید است با اتصال به ریسمان ناگسستنی ولایت، راه زندگی را چنان طی کنیم که زمین زندگی مان، آسمان شود.

قم، شهر بانوی کرامت

بهار ۱۳۹۶

محسن عباسی ولد

مقدمه

نمی‌شود به آرامش اندیشید؛ اما به زندگی مشترک فکر نکرد و مگر می‌شود به زندگی مشترک فکر کرد و از کنار قواعد آن به آسانی عبور کرد؟ آرامشی که خداوند در دل زندگی با همسر گذاشته، بدون توجه به قواعد زندگی مشترک، دست یافتنی نیست. باید زندگی را یاد گرفت. این قدرها هم که فکر می‌کنیم، زندگی با همسر آسان نیست.

مجموعه «تا ساحل آرامش» که در چهار کتاب منتشر شده است، تلاش می‌کند شما را با قواعد زندگی مشترک آشنا کند. این مجموعه راه رسیدن به آرامش در زندگی مشترک را با چراغی که از آیات نورانی قرآن و جملات درخشان اهل بیت علیهم‌السلام روشن کرده نشان می‌دهد.

تا کنون «تا ساحل آرامش» به تنهایی چاپ و منتشر می‌شد؛ اما از این پس هر کدام از مجلدات این مجموعه، ضمیمه‌ای دارد که حاوی نشرهای ادبی است. «بهانه بودن» نام مجموعه‌ای است که

چهار کتاب از آن. ضمیمه ادبی مجموعه «تا ساحل آرامش» است و هم اکنون یکی از این کتاب‌ها در دستان شماست.

متن‌های «بهانه بودن» دل‌نوشته‌هایی است که مخاطب آن، امام زمان عجل الله تعالی ورجه الشریف می‌باشد. ما در این نثرهای ادبی تلاش داریم میان زندگی مشترک و مهدویت پُلی بزنیم و از روی این پل، به سوی آرامش حقیقی و حقیقت آرامش حرکت کنیم که همان وجود امام زمان عجل الله تعالی ورجه الشریف است.

ضمیمه‌های ادبی «تا ساحل آرامش» حامل پیام مهمی هستند: مهدویت را تنها در میان دعای ندبه‌ها و دعای عهد‌ها نمی‌شود زنده نگه داشت. امام زمانی که در متن زندگی ما نباشد، امام زمان نیست. با امام زمان عجل الله تعالی ورجه الشریف باید زندگی کرد. زندگی را باید بر مدار میل او مدیریت کرد.

به نظر می‌رسد مطالعه هریک از این کتاب‌ها را اگر پس از مطالعه همان جلد «تا ساحل آرامش» انجام دهید، مفیدتر باشد. البته این کتاب‌ها طوری نگاشته شده که برای افرادی که انگیزه کافی برای مطالعه کتاب‌های تربیتی ندارند، قابل استفاده باشد. اگر می‌خواهید کسانی را که انگیزه کافی برای مطالعه مجموعه «تا ساحل آرامش» ندارند، تشویق کنید، دعوت به مطالعه این کتاب‌ها می‌تواند اثرگذار باشد.

«بهانه بودن» یک مجموعه چند ده جلدی است که چهار کتاب آن به مجموعه «تا ساحل آرامش» اختصاص یافته است. باقی کتاب‌های این مجموعه هم به یاری خدا به تدریج منتشر خواهد شد که مطالعه آنها را هم به شما توصیه می‌کنیم.